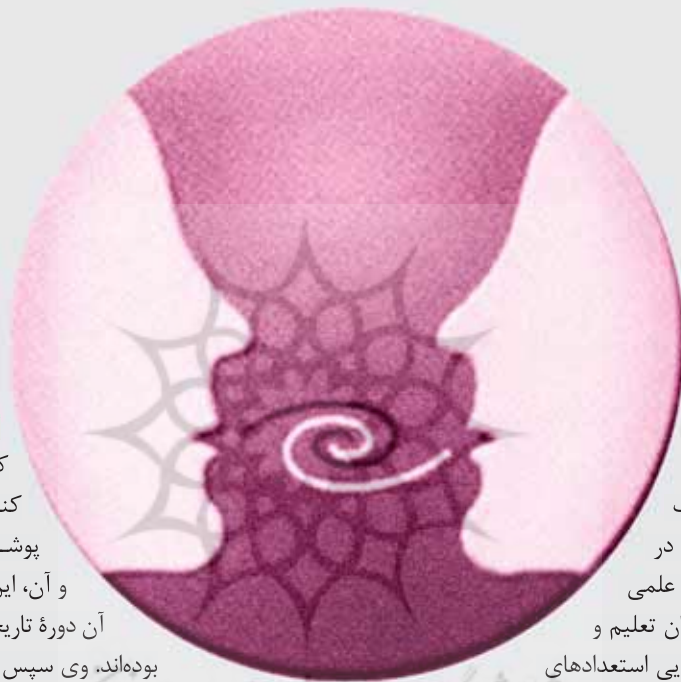


زبان فقط وسیله انتقال



می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که با تأمل در شواهد، گزارشی کتبی از زندگی کارگران در آن دوران تهیه کنند. معلمی دیگر ضمن دادن پوشه، مسئله‌ای را مطرح می‌کند و آن، این است که آیا کارگران در آن دوره تاریخی از زندگی خود راضی بوده‌اند، وی سپس از دانش‌آموزان می‌خواهد که در گروه‌های چند نفره با دادن شواهد، در تأیید یا تکذیب گزاره مطرح شده به بحث بپردازند و سپس نتایج بحث را به صورت شفاهی یا کتبی ارائه دهند. در هنگام ارائه معلم می‌تواند دانش‌آموزان را در مسیری از پیش تعیین شده هدایت کند یا مسیر را با ایده‌های مطرح شده توسط دانش‌آموزان شکل دهد. بدیهی است در همه این موارد محتوای برگرفته از برنامه درسی یکسان است. آنچه این موارد را از هم متمایز می‌کند، نوع ارتباط زبانی است که به یادگیری‌های متفاوتی منجر می‌شود. نوعی از ارتباط به حفظ کردن مطالب از پیش تعیین شده می‌انجامد؛ در حالی که نوع دیگر ارتباط دانش‌آموزان را به استدلال با استفاده از شواهد تشویق می‌کند. به علاوه، شکل ارتباط تعیین‌کننده نوع انتظاراتی است که معلم از دانش‌آموزان دارد؛ به این معنی که در مورد اول دانش‌آموزان قرار نیست محتوایی را تولید کنند و به خلق معنی بپردازند. در حالی که در مورد دوم از آن‌ها انتظار می‌رود در تولید محتوا مشارکت کنند. در شکل‌گیری یادگیری از طریق ارتباط زبانی، نظام

فرا رسیدن سال تحصیلی جدید را به همه خوانندگان مجله، به ویژه دبیران محترم زبان، تبریک می‌گوییم و امیدواریم در سایه سعی و تلاش علمی همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت شاهد شکوفایی استعدادها و جوانان این مرز و بوم باشیم.

در شماره حاضر، به بحث درباره ماهیت برنامه درسی و چگونگی ارتباط آن با یادگیری می‌پردازیم. تأمل در ماهیت برنامه درسی به تعاریف مختلفی از این مفهوم انجامیده که در میان آن‌ها تعریف بارنز^۱ (۱۹۷۵) جالب توجه است. وی در تعریف خود محتوا و شکل ارائه برنامه درسی را دو روی یک سکه می‌داند و بر این اعتقاد است که محتوای برنامه‌ریزی شده برنامه درسی از طریق زبان در محیط‌های آموزشی شکل می‌گیرد.

بنابراین، زبان فقط وسیله انتقال دانش نیست بلکه از طریق آن در کلاس درس دانش تولید می‌شود. در تبیین این نکته، وی مثالی ذکر می‌کند که نشان می‌دهد محتوای واحدی می‌تواند منبع شکل‌گیری انواع مختلف یادگیری و شکل‌های گوناگون دانش باشد. معلمی وضعیت کارگران شهری در اوایل قرن نوزدهم اروپا را برای دانش‌آموزان تشریح می‌کند و در مورد مطالب بیان شده سؤالاتی مطرح می‌کند. معلمی دیگر پوشه‌ای حاوی شواهدی از نوع زندگی آن دوران به دانش‌آموزان ارائه

سال دانش نیست

درنگی در ماهیت برنامه درسی و چگونگی ارتباط آن با یادگیری

بازتولید تفاوتی بین آنچه آموخته شده است و توانایی انتقال زبانی آن وجود ندارد. به عبارت دیگر، بخشی از برداشت دانش آموزان از فعالیت‌های آموزشی به شکل گفتار و نوشتار ظاهر می‌شود و در یادگیری دخیل است. بدون ارتباط زبانی یادگیری تحقق نمی‌یابد.

معلم از طریق آشنایی با الگوهای ارتباطی کلاس درس و آگاهی از نوع تأثیرشان بر یادگیری می‌تواند کنترل بیشتری بر یادگیری دانش آموزان داشته باشند. از طریق به کارگیری آگاهانه زبان، معلم می‌تواند میزان مشارکت دانش آموزان را در فرایند ارتباط افزایش دهند و از این طریق به آن‌ها کمک کنند که در بازتولید مفاهیم مسئولیت بیشتری بر عهده بگیرند. در شماره‌های آینده به الگوهای ارتباطی و نقش آن‌ها در یادگیری خواهیم پرداخت.

در سخن سردبیر این شماره لازم است به برگزاری دهمین همایش بین‌المللی تلسی (انجمن آموزش زبان و ادبیات انگلیسی) در فاصله بین ۲۵-۲۸ مهرماه سال جاری در دانشگاه شهیدبهشتی نیز اشاره کنیم. همایش‌های سالانه تلسی به دلیل سابقه و فراگیر بودن آن در زمینه آموزش زبان در کشورمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

امید است خوانندگان محترم مجله در صورت تمایل به شرکت در همایش با مراجعه به وبگاه آن به آدرس www.Tellsilo.ir در جریان این رویداد علمی قرار گیرند.

پی‌نوشت

1. Douglas Barnes

ارتباطی محیط آموزشی نقشی تعیین کننده دارد. منظور از نظام ارتباطی قواعد نانوشته‌ای است که افراد شرکت کننده در ارتباط به طور ناخودآگاه از آن پیروی می‌کنند. اینکه هر کسی کی و کجا چه بگوید، به این قواعد نانوشته بستگی دارد. همان گونه که بارنز تأکید می‌کند، در گفت‌وگوی آموزشی قواعدی وجود دارد ولی این قواعد ثابت نیستند و مدام، بازتعریف می‌شوند. این گونه نیست که در همه موارد دانش آموزان از قواعد پیروی کنند بلکه در مواردی قدرت مانور آن‌ها به تعدیل یا شکل‌گیری قواعد جدید منجر می‌شود. در عین حال، باید به خاطر داشت که همه تغییرات در چارچوب نظام قاعده‌مند ارتباطی مدرسه شکل می‌گیرد که بخش اعظم آن از طریق قرار گرفتن دانش آموزان در معرض فعالیت‌های آموزشی آموخته می‌شود. بارنز این بخش از یادگیری را، که بستر تولید دانش در محیط‌های آموزشی است، برنامه درسی پنهان می‌نامد که گرچه مورد توجه جدی دست‌اندرکاران آموزش نیست، به دلیل نقشی که در تسهیل روند تولید دانش یا اختلال در آن دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بُعد دیگر استفاده از زبان در محیط‌های آموزشی، کاربرد آن توسط دانش آموزان برای تأمل در یادگیری است. به کارگیری زبان فرایندهای ذهنی تفکر را عیان می‌سازد؛ به طوری که امکان مشاهده و بازنگری در آن‌ها فراهم می‌شود. آنچه دانش آموزان می‌گویند و می‌نویسند منعکس کننده افکار آن‌هاست و به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در مورد آنچه گفته یا نوشته‌اند، احساس مسئولیت کنند. این امر باعث می‌شود آن‌ها صرفاً دریافت کننده دانش نباشند بلکه آن را بازتولید و از آن خود کنند. در فرایند